

درآمدی بر ابعاد اعجازی و زیباشناختی نظام‌نگ قرآن

مهدی سلطانی رنانی

پیش درآمد

قرآن کریم حقیقتی واحد است که از سوی خدای واحد و از راه وحی بر قلب پاک خاتم پیامبران فرود آمده و مردم را فرا خوانده است تا به سوی آن چه آنان را حیات می‌بخشد گام بردارند و روان و جان خود را از آبخور آن سیراب گردانند.

خداوند متعال، حقایق غیبی را لباس «بیان» پوشانیده در قالب «لسان» در دسترس عارف و عامی قرار داده است. این لسان، «عربی مبین»¹ نام گرفته و دارای ویژگی‌هایی است.

از جمله ویژگی‌های این زبان آن که در عین دمسازی با زبان انسان‌ها، فاصله‌ای همانند فاصله خدا و خلقتش دارد.²

همچنین تازگی خود را برای همه زمان‌ها و مکان‌ها و هر قوم و قبیله‌ای حفظ نموده است و همیشه حفظ خواهد کرد.

خداوند حکیم، معارفی ازلی و ابدی را با نظمی شگفت‌انگیز در شمار معدودی از کلمات و عبارات جای داده و بنای سترگ و بس جاویدانی را با مصالح معینی پی افکنده است. راه ورود به گنجینه پایان‌ناپذیر وحی، همین لسان «عربی مبین» است و فراگیری آن به طور مستقیم و عاری از تکلف ساختاری و فارغ از ابرهائی است که حجاب نور این خورشید فروزان می‌باشند و «طریق اقوم» هدایت‌یابی نیز همین است.³

مفهوم نظام‌نگ

همان گونه که یاد شد، مراد از نظام‌نگ قرآنی، آهنگ خاصی است که از چگونگی چینش حروف و کلمات قرآنی پدید می‌آید و هنگام استماع قرآن کریم به گوش می‌رسد. این پدیده - که گاهی از آن به موسیقی آیات تعبیر شده است - دارای نظمی شگفت‌انگیز و ارتباط بسیار دقیق با معانی و مقاصد آیات و سوره‌ها است و الفاظ قرآن را روان و شیوا می‌سازد.⁴

این موضوع از کلام وحی، تاکنون در آثار چند تن از نویسندگان گذشته مورد بررسی قرار گرفته است که اشاره به برخی از آن‌ها، راهی جهت سیر نگارش‌های آن و چگونگی بررسی این موضوع می‌باشد.

دکتر مصطفی محمود، سید قطب و در کشور ما مرحوم آیة الله طالقانی از جمله کسانی هستند که در این گستره قدم برداشته و در زمینه آن قلم زده اند. گفته می‌شود مرحوم دکتر فردید نیز تحقیقاتی درباره رابطه حروف و مفاهیم به گونه عام - نه صرفاً در قرآن - داشته است.

سید قطب در آغاز کتاب «التصویر الفنی فی القرآن الکریم» برخی از علل سیطره قرآن - از همان آغاز نزول - را بر اندیشه عرب فصیح، ادب دان و لغت شناس بیان کرده و گفته است: علت این غلبه و سیطره، نظام دقیق تشریح قرآن بوده که در هر زمان و مکانی قابل اجراست، یا اخبار غیبی که سالها بعد تحقق یافته و نیز علوم طبیعی که درباره خلقت انسان و جهان در قرآن آمده است.

سید قطب در کتاب خود به دو مطلب اشاره می‌کند: 1 - آهنگ قرآن 2 - تصاویر قرآنی. وی بحث خود را با تصاویر قرآنی آغاز می‌کند نظیر تصویر کسی که بر لبه پرتگاهی در حال نماز خواندن است و هر لحظه با خطر افتادن روبرو است: «یعدالله علی حرف»، (حج/11) و یا تصویر مردی که زبانش همچون سگ آویزان و در حال له له زدن است. 5 اندیشه‌های دکتر مصطفی محمود نیز در این مقام گویاست. وی در کتاب خود به داستان ولید بن مغیره اشاره می‌کند و می‌گوید: «از عربی جاهل همچون ولید بن مغیره که بر کفر خود زیست و مرد، عجیب نیست که درماند و نتواند اعجاب خود را از قرآن کتمان کند و درباره قرآن - که آن را سخن محمدصلی الله علیه وآله وسلم می‌داند - بگوید:

«به خدا سوگند که سخنش دارای شیرینی است و روی آن را زیبایی فرا گرفته است. فراز آن ثمربخش، فرود آن دارای برکت و روانی است، کلامی است دارای علو که چیز دیگری بر آن برتری نیابد.» و هنگامی که از وی خواستند محمدصلی الله علیه وآله وسلم را دشنام دهد، گفت: «بگوئید او ساحر و آورنده سخنی است که بین مرد و پدرش، برادر و همسرش و خاندانش جدایی می‌افکند. 6»

دکتر مصطفی محمود با بیانی شیوا تأثیر اولیه نظام‌هنگ و وحی در ذهن و اندیشه خود را چنین توصیف می‌کند:

«نخستین برخورد من با قرآن در چهارمین سال زندگی من بود که کودکی تشنه در صفی از صفوف مکتب خانه بودم و با سادگی به تخته و شاخصی که در دست شیخ بر روی نوشته حرکت می‌کرد می‌نگریستم، مثلاً او می‌خواند: «والضحی، واللیل اذا سجدی» (ضحی 1-2) و ما نیز پشت سر او تکرار می‌کردیم، بی آن که بدانیم «ضحی» چیست. لکن تنها مقاطع و مخارج حروف را تکرار می‌کردیم و بدین ترتیب نخستین عبارت قرآنی را با ذهنی کاملاً خالی و بدون تأثیر پیشین فرا می‌گرفتم. همان گونه که حکایت کره دایره‌ای شکل زمین و قاره‌ها که همچون جزیره در آن شناور بودند مرا شگفت‌زده می‌کرد، قرآن نیز با من همان کرد. شاید مقاطعی که در گوش من، آمد و شد داشت، شبیه تر به مقاطع مقیاس‌های موسیقی (دو - ر - می - فا - سل - لا - سی) بود. حروفی مجرد و فاقد هرگونه معنا جز مدلول موسیقایی آن، نغمه‌هایی صرف و پوشش‌هایی آهنگین و ایقاعی که وجدان را به طرب می‌آورد. 7»

موسیقی قرآن

یکی از نکات مورد نظر در مسئله نظام‌هنگ، موسیقی قرآنی است که از عمیق‌ترین رازها در ترکیب قرآنی است. قرآن، نه شعر و نثر و نه کلامی مسجع است؛ بلکه عبارت ویژه‌ای از الفاظ است که کاشف از موسیقی باطنی آن می‌باشد.

به طور کلی موسیقی قرآنی، یا ظاهری و یا باطنی است و فرق بسیاری بین آن‌هاست. موسیقی ظاهری آن است که وقتی می‌شنوی، به وجد می‌آیی و جنبه خارجی دارد و از تقسیم کلام در پاره‌های مساوی و سپس قافیه بندی هر عبارت پدید می‌آید. اگر موسیقی از خارج عبارت و نه از داخل آن به گوش برسد، یعنی از قافیه‌ها و بحر و وزن، این همان موسیقی درونی یا باطنی است، که سری از اسرار معماری قرآنی می‌باشد و هیچ ترکیب ادبی در آن مشارکت ندارد. 8

محمد مندور درباره تفاوت میان دو موسیقی مذکور می‌گوید:

«موسیقی واضح و عریان مانند زنگ تند، به سهولت قابل تقلید است و از این رو اصالت و عمقی ندارد، موسیقی عمیق (باطنی) موسیقی روح است نه موسیقی لفظ و، گرچه غالباً خواننده عادی از آن بی‌خبر می‌ماند ولی اصالتش همواره پایدار و تقلید از آن ارزنده است و در اعماق روح، ماجراهایی برپا می‌کند که جز گروه اندکی از خوانندگان از آن غافل می‌مانند.» 9

بررسی نظام‌هنگ قرآنی در میان این بحث، وقتی ارزش دو چندان می‌یابد که از دیدگاه همه انسان‌ها - عرب و غیر عرب - عارف و عامی - مورد بررسی قرار گیرد، در واقع از دیدگاه «ناس» که مخاطبان قرآن کریم هستند و این، فطرت همه آنها را مورد خطاب قرار می‌دهد. در این جا دو بحث مطرح است:

1. فطری بودن پدیده زبان و زبان آموزی در انسان.

2. فطری بودن زبان قرآن.

از آن جا که مصطفی محمود، نام کتاب خود را «کوششی برای فهم عصری قرآن» نامیده است، پرداختن به نظام‌هنگ قرآن کریم، هموارکننده راه فهم عصری قرآن نیز می‌باشد. باری، وی در دنباله کلام خویش درباره این موضوع می‌نویسد:

«تمام نقش‌های قرآنی را می‌بایی که به وسیله این برخوردارهای سریع و سایه‌های محکم و الفاظی که دارای زنگ و صوت و تصویر هستند، رسم شده اند. به سبب مجموع این دلایل است که قرآن کتابی است غیر قابل ترجمه. قرآن، به زبان خود، قرآن است به زبان‌های دیگر، چیز دیگری غیر از قرآن خواهد بود، که: «أنا أنزلناه قرآناً عربياً» (یوسف 2) و در این سخن تحدیدی است که بین دو

شق، جدایی افکند. آری، در برابر معماری، تکوین و بنایی موسیقایی قرار داریم که در آن، موسیقی از داخل کلمات و نه از حواشی آن می‌جوشد و نیز از ویژگی‌های لغت عربی و اسرار و سایه‌ها و زوایای پنهان آن. به همین جهت، آیات قرآن دارای خاصیت عجیبی است... آیات این کتاب در پی تماس با گوش و پیش از آن که عقل به تأمل در معانی آن بپردازد، در نفس ایجاد خشوع می‌کند، زیرا ترکیبی است موسیقایی که پیش از آن که عقل کار خود را آغاز کند در وجدان و قلب تأثیر می‌گذارد.¹⁰

راه درک موسیقی قرآن

هر چند از ویژگی‌های موسیقی قرآن، آن است، که بر احساس بشری اثر می‌نهد در عین حال، درک شایسته آن، از آخرین چیزهایی است که نصیب انیس قرآن می‌گردد و از طریق استمرار و فراوانی تلاوت قرآن و مأنوس شدن با آن حاصل می‌شود. قرآن کریم به خودی خود یک سمفونی هارمونیک است و یافتن جزئیات و ظرافت‌هایی که در جای جای این سمفونی قرار گرفته و گاه گاه به مناسبت، تغییر می‌کند، حاصل کثرت و ممارست در گوش دادن به آن است و شایسته نیست تحقیقات «قرآن پژوهی» ما را از روانخوانی و روخوانی قرآن بی‌نیاز دارد و رفته رفته اصل کلام اصالت خود را برای ما از دست بدهد و در نتیجه محرومیت از آثار «طمأنینه»، «شفا» و هدایت کامل قرآنی را به همراه بیاورد.

زبان قرآن و فطرت انسانی

هدف عمده دیگری که از ورای مباحث مربوط به نظام‌هنگ، پی‌گیری می‌شود، تبیین پیوند زبان قرآن با فطرت همه انسان‌ها و به تعبیری دیگر فطری بودن زبان قرآن است. یکی از مباحث به نسبت جدید در زبان‌شناسی امروز، تولد انسان‌ها با استعداد ذاتی فراگیری زبان و به تعبیر دیگر مسئله فطری بودن زبان است.¹¹ از سوی دیگر قرآن کریم خود را «بیان للناس» (آل عمران / 138) نامیده است. این کتابی است که به «لسان قوم» نازل شده و مراد از قوم تمامی مردم جهان است.¹² در این مورد یاد کرد نکاتی لازم است:

1 - زبان قرآن کریم زبانی است که خدا به وسیله آن با انسان سخن گفته است و تنها همین زبان است که می‌تواند فطری و زبان همه انسان‌ها باشد. این زبانی است که به دلیل سعه وجودی و ارتباط درونی عناصرش با یکدیگر، از این توان برخوردار است و به همین دلیل زبان «عربی مبین» نام گرفته است و درباره «عربی مبین» امام صادق علیه السلام فرمودند: «این زبان، بیانگر آن چه در زبان‌های دیگر است می‌باشد، در حالی که زبان‌های دیگر این توانایی را ندارند.»¹³

2 - زبان قرآن، تنها زبان فطری است که می‌تواند فطرت همه انسان‌ها را بیدار سازد و مقصود از آن، زبان عربی مصطلح که عربی امروز یا دیروز کشورهای عربی است، نمی‌باشد.

3 . اولین چیزی که کودک از یک زبان درک می‌کند موسیقی آن است و موسیقی اولین چیزی است که ظاهر یک زبان را تشکیل می‌دهد و نخستین گام در آشنایی با یک زبان است. موسیقی گوناگون و روح نواز، در جای جای قرآن کریم هماهنگ با معانی بلند آن است و این نکته نشان می‌دهد که زبان قرآن از موسیقی به بهترین و شایسته‌ترین وجه برخوردار است، به گونه‌ای که متناسب با فطرت همه انسان‌هاست. 14

مسئله نظام‌هنگ قرآن نیز به نوعی نمایان‌گر این موضوع است.

انواع تناسب‌های آهنگین (نظام‌هنگ) در قرآن کریم

محورهای این بحث عبارتند از:

- 1 - فضای عمومی سوره‌ها
 - 2 - فضای عمومی گروهی از آیات
 - 3 - چینش حروف در آیات
 - 4 - تقدیم و تأخیر الفاظ و نقش آن در نظام‌هنگ قرآن
 - 5 - طول آیات
 - 6 - نقش نظام‌هنگ در تدبر و حفظ قرآن کریم
 - 7 - فواصل آیات؛ آثار و نقش آنها در نظام‌هنگ قرآن
- اینک به شرح مختصر محورهای یاد شده می‌پردازیم:

1 - فضای عمومی سوره‌ها

پژوهش در این موضوع را از سوره فاتحه‌الکتاب و برخی سوره‌های آخر قرآن آغاز می‌نماییم؛ زیرا این سوره‌ها به طور عموم دارای حجمی مختصر، آهنگی یکسان و به طور کلی فضای عمومی واحدی می‌باشند.

سوره فاتحه‌الکتاب

این سوره که دارای نام‌های متعددی مانند «ام‌الکتاب» است و هفت آیه بیشتر ندارد، تنها سوره‌ای است که دارای آهنگ سوره‌های طوال است. از سوره‌های آخر قرآن، دو سوره «ماعون و تین» تا اندازه‌ای دارای تشابه آهنگین با سوره‌های بزرگ هستند، لکن تشابه آنها از تشابه «ام‌القرآن» بسیار

کمتر است. همچنین سوره «کافرون» تنها در دو آیه نخست خود، تا اندازه‌ای از این تشابه برخوردار است. بسامد واژگان سوره «حمد» در سوره‌های طوال، به شرح ذیل است:

- 1 - عالمین تا آخر اعراف 24 بار. 2 - مستقیم تا آخر اعراف 9 بار. 3 - رحیم تا آخر انفال 29 بار.
- 4 - ضالین در بقره و انعام 2 بار 15.

بیان این مطلب می‌تواند تا اندازه‌ای پیوند و نسبت «ام القرآن» را با دیگر اجزای آن از جهت چگونگی در برداشتن مطالب و داشتن نظم و نسق بخش‌های عمده قرآن روشن کند. این سوره با این که مکی است از لحاظ ایقاعات نسبتاً بلند و نیز از لحاظ سبک متناوب، حال و هوای سوره‌های طوال را می‌نمایاند. ویژگی مهم دیگری که در آهنگ این سوره وجود دارد، نظم به کار رفته در لحن آیات همراه با تغییر محتوایی آنهاست. آغاز سوره که درباره حمد و رحمت الهی است، آیاتی دارد که در آنها حروف ملایم بیش از همه به چشم می‌خورند و هیچ گونه خشونت در الفاظ به گوش نمی‌رسد. حروف مورد نظر عبارتند از: ح، م، ر، ع، ل، ن. (این حروف در آواشناسی امروز، حروف بین شدت و رخاوت نامیده می‌شوند). 16)

در بخش میانی سوره مسائل مربوط به روز قیامت، عبودیت، استعانت و صراط مستقیم مطرح می‌شوند، حروف سوره هم به تناسب، آهنگی مستحکم و استوار دارند: ک، د (مشدد)، ت، ص، ط، ق.

در بخش سوم سوره که نوع «صراط» مطرح می‌شود، عبارتی که بندگان نیکو و نمونه را مشخص می‌کند، خالی از هر گونه خشونت لفظی است: «انعمت علیهم» لکن عبارت پس از آن که گمراهان مورد خشم خدا را مورد اشاره قرار می‌دهد، آکنده از حروفی خشن و غلیظ است: «غیر المغضوب علیهم ولا الضالین» تعبیر خشن و غلیظ از نظر عامه مردم است.

از نظرگاه آواشناسی جدید، حرف «ض» جزء حروف شدید است. همچنین هر چند، در برخی کتابهای تجوید به رسم گذشته، «ض» جزء حروف رخوت دار محسوب شده، لکن ابن جزری در کتاب «النشر فی القراءات العشر» اظهار داشته، برای زبان هیچ حرفی به سنگینی «ض» نمی‌باشد. 17

سوره فیل

تصویر حرکت گروهی دیگر از گردنکشان تاریخ که قرآن کریم و همه انسان‌ها، آنان را با مدد از نام «فیل» می‌شناسند! همان گونه که خداوند گروهی را با نام «اصحاب الجنه»، «اصحاب الیمین» و حتی «اصحاب النار» معرفی کرده، گروهی را هم با نام «اصحاب الفیل» شناسانده است.

آهنگ این سوره حرکت پیلان تنومند را به خوبی نشان می‌دهد. 18

سوره قریش

تار و مار کردن پیلان، پیل بانان و پیل سواران، به منظور ایجاد سکون و آرامش برای قریش (ساکنان ام القری) و دیگر مردمان، سخن اصلی این سوره می‌باشد تا کاروان‌های تجاری، پهنه دشت‌ها را در نوردد و مردمان به سپاس و عبادت پروردگاری بپردازند که به آنها رزق و امنیت عطا کرده است. آرامش و امنیت و آهنگ بسیار ملایم این سوره که همچون آرامشی پس از طوفان است، اعجاب انگیز است. این سوره 4 آیه دارد و تمامی آیات به حرف ماقبل ساکن ختم می‌شوند و وقف بر هر آیه سکون‌ها را مضاعف می‌سازد: قریش، صیف، بیت، خوف. همچنین در الفاظ درون آیات هم سکون‌های متعددی وجود دارند و هر یک به مثابه مانعی، از هر گونه سرعت و شدت در آهنگ سوره می‌کاهند، بلکه ممانعت می‌کنند. تعداد سکون‌های این سوره با احتساب حروف مد، به 15 مورد می‌رسد و مقایسه این سوره با سوره «همزه» معنای بیشتری به این رقم می‌دهد. 19

سوره همزه

سوره‌ای متضمن تهدید شدید و کوبنده نسبت به هر سخن چین طعنه زن. در این سوره، الفاظ پایانی هر آیه به چند حرف متحرک پایانی ختم می‌شوند. تعداد سکون‌های این سوره که 9 آیه دارد، بسیار کمتر از سوره چهار آیه‌ای قریش است، به گونه‌ای که در نگاه نخست به چشم و گوش نمی‌خورند و شمارش آن‌ها نیاز به دقت و تیزبینی دارد. در عوض، این سوره که سخن از خردکنندگی خاطیان می‌زند، تشدیدهای فراوان پرده گوش را می‌کوبند. هر چند تشدید هم از ترکیب حروف ساکن پدید می‌آید، لکن هیچ گونه نمودی از سکون و آرامش وجود ندارد. شمار تهدیدهای این سوره به 14 مورد می‌رسد. 20 مرحوم آیه الله طالقانی در این باره می‌نویسد:

«این سوره با آیات کوتاه، فصول متشابه، طنین خاص و هراس انگیز، دو روی و دو وضع متقابل و متعکس زندگی و خوی و اندیشه و اعمال کسانی را به شتاب از نظرها گذرانده است: همز، لمز، جمع، حساب و خلود روی دیگر و متعکس: نبذ، حطم، نار، موقده و مؤصده، از آیه 6 که نمودار بعد دورتر از انظار را دارد، آیات، کوتاه و سریع‌تر شده است. 21»

سوره مسد

آهنگی کوبنده و در هم شکننده و نابود کننده آرمان و حیات تمام کسانی که در برابر ندای توحید قد علم کرده اند. این سوره و آهنگ مخصوص آن در ذهن قرآن آموز، زمینه‌ای برای دریافت پیام

این آیات پدید می‌آورد که بیانگر سنت همیشگی خداوندی در طرد و لعن و کشتار کسانی است که تبلیغات مسموم آنها، خار راه پیامبران بوده است.

سید قطب، درباره مسد سخن جالبی دارد، وی می‌گوید:

«این سوره، پاسخی به جنگ اعلام شده از سوی ابولهب است که به پیامبر گفت: «تَبَالِك» و خدا در این جا خود امر جنگ را به عهده گرفته است.» 22

در «تبت یدا ابی لهب و تب» ... تباب به معنی هلاکت و نابودی و قطع است. «تبت» نخستین، دعا و دومی گزارشی از تحقق این دعا است و بدین ترتیب معرکه پایان می‌پذیرد و پرده فرو می‌افتد! وی همچنین می‌افزاید: در این سوره به واسطه تناسب زنگ کلمات، صدای خشک و شکننده بستن و مستحکم ساختن پشته هیمه به گوش می‌رسد. همان گونه که این سوره از به بند کشیدن گردن همسر ابولهب که هیزم بیار معرکه بود خبر می‌دهد.

کوبندگی سوره تبت نسبت به ابولهب و امثال او در طول تاریخ جنبه دیگر سوره توحید، «قل هو الله احد» می‌باشد. سوره نخست به معنای «لااله» و سوره دوم به معنای «الا الله» می‌باشد. 23 سوره «مسد» و «اخلاص» از لحاظ ظاهر با هم مجاورت و آهنگی در ایقاعات دارند. از لحاظ باطن نیز چنین است، چنان که رسول خداصلی الله علیه وآله وسلم فرمود: هر کس جمعه‌ای بر او بگذرد و سوره «قل هو الله احد» را نخواند، بر دین ابولهب از دنیا رفته است. 24

سوره والعدایات

سوره با قسم به اسبان جنگی 25 آغاز می‌شود که یورش می‌آورند، نفس نفس می‌زنند، با سم خود جرقه می‌افروزند و غبار می‌انگیزند. ایقاعات خاص این سوره و ترکیب تند حرکات، عیناً تصویرگر این صحنه پرشور هستند. آهنگ این سوره با قسم‌های آن و هر دوی این‌ها با جواب قسم و مطلب پایان سوره، همخوانی تام دارند. در آغاز سوره به اسبان یورش برنده و سرکش قسم یاد شده و در جواب قسم، ناسپاسی و سرکشی انسان و شدید بودن او در حب خیر یعنی دوستی مال آمده است. 26 همچنین در شروع سوره، تصویری از برانگیخته شدن جرقه سم اسب‌ها و گرد و غبار ناشی از یورش و شیهه‌های آنهاست و در پایان سوره، تصویر زیر و رو شدن قبرها و آشکار شدن پنهانی‌ها، دو صحنه چشمگیر و خیره کننده. سید قطب در این باره چنین می‌نویسد:

«سیاق این سوره در برخوردهای سریع، شدید و حرکت آفرین جریان دارد که بر اثر پرش، جهش و دویدن با چابکی و سرعت از یکی به دیگری منتقل می‌گردد تا به آخر فقره برسد که در آن، لفظ و سایه، موضوع و ایقاع همگی متوقف می‌گردند، همان گونه که دونده به پایان سیر خود می‌رسد.»

«در آخر، غبار برانگیخته شده و سرکشی و حرص، پراکندگی و جمع آوری، همگی به پایان خود می‌رسند: به سوی خدا «ان رَبَّهم یومئذ لخبیر». (والعادیات /11)

به سخن سید قطب باید این مطلب را نیز افزود که حرکات الف ممدوده در آغاز سوره (صبحاً، قدحاً...) در پایان به حرکت زیر منتهی می‌گردد: (خبیر) که پایان کار را نشان می‌دهد. 27. موارد مذکور نمونه‌هایی از فضای عمومی نظام‌ها می‌باشد که شرح آنها گذشت.

2 - فضای عمومی گروهی از آیات

پس از بررسی مواردی از فضای عمومی نظام‌ها، نوبت به بررسی همین حالت در سطحی محدودتر یعنی فضای گروهی از آیات و یا گروه‌های آیه ای در یک سوره می‌رسیم. این حالت نیز به عنوان یکی دیگر از جنبه‌های نظام‌ها قرآن کریم است که همگام با تغییر مفاهیم مورد بحث در یک یا چند آیه روی می‌دهد. چنین امری در سوره‌های قرآنی فراوان به چشم می‌خورد.

به عنوان نمونه در سوره‌های «تکاتر»، «عادیات» و «علق» که به ترتیب 11_ 8 و 19 آیه دارند، چنین حالتی سه بار روی می‌دهد.

سوره‌های «زلزال»، «انشقاق»، «انفطار»، «تکویر»، «نباء»، «مرسلات»، «معارج»، «حاقة»، «واقعه» و ... که قیامت یکی از موضوعات اصلی آنهاست، در آغاز با توصیفی از قیامت آغاز می‌شوند و سپس آهنگ هر سوره برای شرح وقایع قیامت، عذاب دنیوی اقوام پیشین و مانند آن، تغییر می‌یابد. 28. در این جا به عنوان نمونه تغییرات درونی آهنگ یک سوره مستقل را توضیح می‌دهیم:

سوره فجر

در این سوره 5 آیه نخست شامل چهار قسم، به علاوه پرسشی راجع به قسم‌هاست. 9 آیه بعد داستان هلاکت اقوام گذشته را با آهنگی متفاوت از شروع سوره و متناسب با موضوع، بررسی می‌کند. این 9 آیه دارای ایقاعاتی همسان هستند و همگی به حروفی کوتاه که قبل از آن الف کشیده قرار دارد ختم می‌شوند. در آیه «و ثمود الذین جابوا الصخر بالواد» حرف یاء از لفظ «وادی» حذف شده تا ایقاع این گروه از آیات آسیب نبیند.

سید قطب، آیات 21 و 22 این سوره را دارای آهنگ نظامی که مناسب دگرگونی یک باره و عذاب و بند نهادن است دانسته: «کَلَّا إِذَا دَكَتْ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا وَ جَاءَ رَبُّكَ وَ الْمَلِكُ صَفًّا صَفًّا». و در مقابل جو آرام، دوستانه و همراه با خشنودی و عاطفه‌ای را که بر آیات پایانی این سوره سایه افکنده مورد

توجه قرار می‌دهد و از آن سخن می‌گوید. 29 «یا أيتها النفس المطمئنة، ارجعي الى ربك راضية مرضية، فادخلي في عبادي، وادخلي جنتي». (فجر 27-30)

3 - چینش حروف در آیات

یکی از روش‌های نظام‌هنگ قرآنی، بررسی تأثیر معنایی حروف و چینش آن‌ها در آیات قرآن است، ما در این نوشتار به عنوان مثال به یک مورد اشاره می‌نماییم: کاربرد حرف قاف، توالی و تکرار و چینش آن در آیات قرآنی با موضوعات متفاوت.

1 - چینش حرف (قاف) در آیات مربوط به واقعه کوبنده قیامت.

«القارعة، ما القارعة، و ما أدراك ما القارعة». (قارعه 1-3)

«لا أفسيمُ بيوم القيامة ، و لا أفسيمُ بالنفس اللوامة». (قیامة 1-2)

«إذا السماء انشقت ، و أذنت لربها و حقت». (انشقاق 1-2)

«إذا وقعت الواقعة، ليس لوقعتها كاذبة». (واقعه 1-2)

«اقتربت الساعة وانشق القمر». (قمر 1)

2 - یا در آیات شریفه‌ای که پس از سخن درباره قیامت، فرود آمدن تازیانه عذاب بر اقوام لجوج و سرکش را تصویر می‌نماید.

«الحاقة، ما الحاقة، و ما ادراك ما الحاقة، كذبت ثمود و عاد بالقارعة، فأما ثمود فأهلكوا

بالطاغية». (حاقة 1-5)

3 - یا دو دسته از آیات دیگری که یکی حکایت‌گر سختی‌های انسان در مسیر زندگی و دیگری لحظه سخت بیرون رفتن جان از بدن است.

«فلا أفسم بالشفق، واللّیل و ما وسق، والقمر اذا اتسق، لتركبن طبقاً عن طبق». (انشقاق 16-19)

«كلّا اذا بلغت التراقي، و قيل من راق، و ظنّ أنّه الفراق، و التفت الساق بالساق، الى ربك يومئذ

المساق». (قیامة 26-30)

در این خصوص می‌توان به کاربرد حرف «ق و ط» به صورت مشدد یا مفرد در عبارات زیر، که تناسب و توازنی ملموس با معانی آیات پدید آورده‌اند اشاره کرد:

«و لكن بعدت عليهم الشقة». (توبه 42)

«إلا أن تقطع قلوبهم». (توبه 110)

«سيطوقون ما بخلوا به يوم القيامة». (آل عمران 180)

«يوم تشقق الأرض عنهم سراعا». (ق 44)

در مثال‌هایی که گذشت؛ اکثر قریب به اتفاق افعالی که «ق» یکی از حروف اصلی آنهاست، به گونه‌ای القاکننده مفهوم شدت و خشونت هستند. 30

4 - تقدیم و تأخیر الفاظ و نقش آن در نظام‌هنگ قرآن
گاهی برخی الفاظ قرآنی به دلایلی از جمله رعایت نظام‌هنگ و شیوایی موسیقایی در یک آیه «تقدم و تأخر» می‌یابند، که این موضوع دارای اقسامی است:

1. رعایت موزون فواصل آیات

جلال‌الدین سیوطی در الاتقان، به مناسبت‌هایی از این موضوع سخن گفته است. از جمله ذیل نوع 44، علت تأخیر «حوی» و تقدیم «غناء» در سوره «اعلی» را رعایت «فاصله» یعنی یکی از وجوه نظام‌هنگ شمرده است. وی مانند همین سخن را درباره عباراتی مثل «فَلَلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَى» (نجم 25/) و «جمعناکم و الاولین» (مرسلات 38) آورده که در آنها، اصل بر ترتیب الفاظ برخلاف این ترتیب بوده است. 31

2. رعایت شیوایی کلام

گاه این تقدیم و تأخیر دارای تأثیری در روانی و شیوایی کلام و خلق موسیقی باطنی قرآن است. به عنوان مثال؛ زمانی که دو تعبیر «نور» و «هدی» برای تورات در دو بخش قرآن به کار می‌رود، به منظور رعایت روانی مورد اشاره، ترتیب این دو تعبیر تغییر می‌کند. 32

5 - طول آیات

یکی از تناسب‌های آهنگین آیات قرآن، طول آیات است. تغییر طول آیات در سوره‌های مختلف، امری تصادفی نیست و تدبیر در این زمینه، نکاتی ارزشمند را به نظر می‌آورد. در این نوشتار به بررسی این موضوع در سوره شمس و نشان دادن نقش آن در نظام‌هنگ قرآنی می‌پردازیم.
سوره «شمس» دارای 11 قسم و 2 جواب برای این قسم‌هاست.

این دو بخش در درون سوره به اتفاق، قسمتی واحد را پدید می‌آورند که عبارت از بیان سنتی خلل‌ناپذیر در آفرینش و عالم انسانی است. خدای متعال سخن خود را در این سوره زیبا با اشاره‌ای به داستان یکی از اقوام گردنکش تاریخ و عاقبت شوم و دردناک آنها پی می‌گیرد. بخش جدید، تغییر آهنگ در پی ندارد، جز این که در مواردی داستان با آیه‌ای به ظاهر کم حجم آغاز

می‌گردد و از آیه 9 تا 14 رفته رفته بر حجم هر آیه نسبت به آیه قبل افزوده می‌شود. آیه 15 که آخرین آیه و پایان بخش داستان است، کمترین حجم را داراست. گویی 7 آیه این داستان دخالت تدریجی این گروه را تا سر حد هلاکت به تصویر می‌کشند و در آیه آخر که نابودی آنان صورت گرفته و اثری از آنان باقی نمانده، خداوند نیستی آنان را تجسم می‌فرماید: 33

«قد افلح من زكّٰیها، و قد خاب من دسّٰیها، كذّٰبٌ ثمود بطغویها، اذ انبعث اشقیها، فقال لهم رسول اللّٰه ناقة اللّٰه و سقیها، فكذّبوه فعفروها فدمدم علیهم ربهم بذنبهم فسویها، و لایخاف عقباها.» (شمس / 9-15)

6 - نقش نظام‌هنگ قرآن در تدبیر و حفظ قرآن کریم

تدبیر، راه استوار و صراط مستقیم فهم قرآن کریم است. قرآن کریم تدبیر و تذکر را هدف نزول خویش 34 و تدبیر را نیز راه خالی دیدن قرآن کریم از اختلاف دانسته است. 35 آهنگ خاصی که سوره‌ها و عبارت‌های قرآنی دارند، مفهوم خاصی را نیز در ذهن مستمع پدید می‌آورد. در بیشتر مواقع، آهنگ آیات و روایات به همراه مفهوم کلی و انتزاعی شان در ذهن می‌ماند؛ یعنی ذهن انسان متوجه تک تک کلمات و الفاظ سوره‌ای که آن آهنگ را پدید می‌آورد نیست، بلکه تنها ارتباط این آهنگ را با سوره‌ای دیگر که به نحو عام دارای چنین معانی و آهنگ است در نظر می‌آورد. گاهی ایجاد ارتباط ذهنی از این حد ضعیف تر است و ذهن قاری یا مستمع قرآن از نظام‌هنگ یک سوره به نظام‌هنگ سوره یا سوره‌های دیگر و یا قسمتی از آنها منتقل می‌شود، با آن که از مفاهیم این سوره‌ها اطلاع دقیقی ندارد. به عنوان مثال؛ سوره مبارکه حاقه، دارای شباهت‌هایی آهنگین با سوره مبارکه واقعه است. این همسانی در آغاز سوره و در نظر اول چندان محسوس نیست و حتی طول برخی آیات سوره حاقه به چندین برابر آیات سوره واقعه می‌رسد، لکن این تشابه چندان که قاری به سمت آخر سوره می‌رود شدت می‌گیرد و بر روی آخرین آیه هر دو سوره تطابق کامل پیدا می‌کند. همسانی آهنگین، ذهن مستمع و قاری را متوجه همسانی لفظی و مفهومی نموده و این به نوبه خود راه را برای تدبیر جدی می‌گشاید.

«بسم اللّٰه الرحمن الرحیم، الحاقّة، ما الحاقّة، ... كذّٰبٌ ثمود و عاد بالقارعة» (حاقه / 1-5)

«بسم اللّٰه الرحمن الرحیم، اذا وقعت الواقعة، لیس لوقعتها كاذبة.» (واقعه / 1-2)

(تكذیب روز قیامت توسط عاد و ثمود) / (روز قیامت تكذیب بردار نیست)

«فما منكم من أحد عنه حاجزین» (حاقه / 47) فلولا ان كنتم غیر مدینین، ترجعونها إن كنتم صادقین.» (واقعه / 86-87) (ضعف مخاطبان در برابر پدیده مرگ و عذاب) / (ضعف مخاطبان در برابر پدیده مرگ.)

«و انه لحق اليقين»، (حاقه 51/ «ان هذا لهو حق اليقين». (واقعه 95/ «فسبح باسم ربك العظيم»
(حاقه 52/ «فسبح باسم ربك العظيم». (واقعه 96/ به کمک این نظیر که از وجوه تدبر می‌باشد،
نکات متعددی آشکار می‌شود.

رابطه‌ای که بین «ترفه» (رفاه زندگی)، عدم تشویق و اهتمام نسبت به معیشت مساکین، و عدم ایمان به خدا وجود دارد، قرار گرفتن در وضعیتی که محتضر مشاهده می‌کند، در زمره یکی از وجوه غیبی که مورد قسم و توجّه الهی است، از آن جمله است. 36 روشن است که این نکات، بدین معنا نیست که صرف وجود برخی هماهنگی‌ها در آیات قرآنی، سبب پیوند مستقیم آنها با یکدیگر می‌شود و بین این دو تلازمی دائمی برقرار است، بلکه مقصود این است که در موارد زیاد، ایقاع و آهنگ می‌تواند یکی از قرائن قوی مبنی بر وجود ارتباط باشد، تا با جلب توجّه قاری و مستمع، وی را به تأمل بیشتر و در صورت امکان، پی بردن به دیگر موارد تشابه وادارد که به نمونه‌ای از آن اشاره شد.

از دیگر آثار نظام‌هنگ قرآن در این وادی، اثری است که در حفظ قرآن کریم چه به معنای عام (مصونیت آن از تحریف) و چه به معنای خاص (جای‌گیری آسان آن در سینه‌ها) داشته و دارد. نظام‌هنگ قرآن، حفظ قرآن را آسان می‌کند و آسان بودن قرآن کریم برای حفظ در آیه «و لقد یسرنا القرآن للذکر فهل من مدکر» (قمر 17/ مورد اشاره قرار گرفته است.

این آیه در واقع حاوی دو نکته مهم است:

- 1 - قرآن، «تیسیر» گردانیده شده است.
 - 2 - هدف از این «تیسیر» ذکر شدن قرآن است. ذکر شدن قرآن، به معنای ارتباط آن با «ذاکر» انسانی است که عبارت از اعماق قلب اوست و یکی از ابعاد این «تیسیر» ملاحظه حکمت‌های دقیق فنی و کلامی است. 37 این است که می‌بینیم، آدمی با داشتن حافظه‌ای متوسط و معمولی بارها بسیاری از زیارات، دعاها، اشعار و قصاید عربی را می‌خواند و موفق به سپردن آنها به ذاکره خود به گونه‌ای که بتواند بدون هیچ اشکال و مشکلی به زمزمه آنها بپردازد، نمی‌شود، ولی حفظ قرآن، با صرف نیرو و فرصتی اندک، امکان پذیر و در عین حال به راحتی، زمزمه‌پذیر است.
- «قرآن، آبشار گونه بر زبان می‌گذرد؛ چون در چینش واژه‌ها روانی و سلامت رعایت شده و خواندن آن، مثل آمدن از فراز به نشیب و نه از نشیب به فراز - مثل بسیاری از کتاب‌های دیگر است.» 38

7 - فواصل آیات، نقش و آثار آن در نظام‌هنگ قرآن

قرآن کریم به سوره‌ها و سپس آیه‌ها تقسیم شده و پایان هر آیه با حرفی مشخص می‌شود که آن را در این مقام، «فاصله» نامیده‌اند. فاصله دارای نقش اساسی در آفرینش نظام‌هاست. عمل آن، همچون عمل قافیه در شعر و سجع در نثر می‌باشد، دانشمندان پیشین به دلیل دوری جستن از تشبیه نادرست قرآن به شعر، از همین اندازه نیز اجتناب کرده و حروف سجع آفرین پایانه‌های آیات را فاصله نامیده‌اند و گویند خداوند متعال بر این تکیه و تصریح فرموده که بنده و فرستاده خویش را شعر نیاموخته و چنین چیزی شایستگی او و رسالت او را نداشته است. «و ما علمناه الشعر و ما ینبغی له إن هو إلا ذکر و قرآن مبین لینذر من کان حیاً و یحقّ القول علی الکافرین».

(یس 69-70)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم و پیش از او پیامبران دیگر آمدند تا نور فطرت را در دل انسان‌ها پیدا و گنجینه‌های خرد را که نهفته در درون ایشان است آشکار سازند. 39 از این رو شعر در آستان این رسالت راهی ندارد و سخن کتابی همانند قرآن، دور از شعری است که قوام و دوام آن به عنصر خیال و مواردی همچون مبالغه، اغراق و مانند آن می‌باشد. با این همه، کلام هنرمندانه قرآن آراسته به زیبایی‌هایی است که در شعر نیز وجود دارد که از آن جمله «فواصل آیات» را می‌توان نام برد در این مورد به عنوان مثال می‌توان به آیات سوره طه اشاره کرد، هنگامی که موسی علیه السلام برای مأموریت رسالت آماده می‌شود از خدای متعال درخواست‌هایی می‌کند و خداوند درخواست‌های وی را برآورده می‌سازد و پاسخ وی را با این آیه آغاز می‌کند: «قال قد أوتیت سؤلک یا موسی» (طه 36) آیات ادامه می‌یابد و پس از چند آیه که در برگزیده یاد کرد نعمت‌ها و منت‌های الهی است، به این بخش می‌رسد:

«فرجعناک الی امک کی تقرّ عینها و لاتحزن و قتلت نفساً. فنجیناک من الغم و فتناک فتوناً فلبث سنین فی اهل مدین ثم جئت علی قدر یا موسی» (طه 40)

این آیه نیز همانند آیه پیشین به خطاب «یا موسی» ختم می‌شود. ختم این آیه به خطاب مکرر، هم تنبه مجددی برای موسی از جانب خداوند است، و هم سخن را به بهترین شکل موزون می‌سازد، بی آنکه هیچ احساس زیادت و تکراری پدید آید.

هنگامی که از فواصل آیات سخن به میان می‌آید، منظور زمانی است که بر آخر کلمات، وقف و سکون داده می‌شود، در غیر این صورت، نظم آهنگین فواصل بر هم می‌خورد. نظیر آن چه در این آیات یده می‌شود:

«ثم أدبر و استکبر، فقال إن هذا إلا سحر یؤثر، إن هذا إلا قول البشر، سأصلیه سقر، و ما أدریک ما سقر، لاتبقی و لاتذر، لواحیه للبشر» (مدثر 23-29)

بسیار روشن است که در گروه‌های آیه‌ای فوق، تنها با وقف بر سر آیات است که همسانی آهنگین فواصل به چشم می‌خورد.

آثار فواصل بر نظام‌نگ قرآن

قبلاً اشاره شد که کارکرد فواصل آیات در قرآن، تقریباً همان کارکرد قافیه در شعر است ولی فراتر از آن و منحصر به خود می‌باشد. به هر حال، فواصل آیات آثار و عملکردهایی را در ایجاد نظام‌نگ دقیق در میان آیه‌های شریفه قرآنی دارد که از آن جمله اند:

- 1 - تأثیر موسیقایی.
- 2 - تشخیصی که به کلمات خاص هر آیه می‌بخشد.
- 3 - لذتی که قافیه از برآورده شدن یک انتظار به وجود می‌آورد، در فواصل آیات این لذت چندین برابر دیده می‌شود و باعث ایجاد نشاط روحی خواننده (قاری) قرآن می‌گردد.
- 4 - زیبایی معنوی یا تنوع در عین وحدت.
- 5 - تنظیم فکر و احساس قاری قرآن.
- 6 - استواری لفظی آیات.
- 7 - کمک به حافظه و سرعت انتقال قاریان قرآن، جهت فهم مفاهیم قرآنی.
- 8 - ایجاد وحدت در شکل آیات.
- 9 - کمک به تداعی معانی.
- 10 - توجه دادن به زیبایی ذاتی کلمات.
- 11 - تناسب و قرینه سازی.
- 12 - ایجاد قالب مشخص و حفظ وحدت در بین آیات. 40

1 - بلسان عربی مبین. (شعراء / 195)

2 - اشاره است به حدیث: «فضل القرآن علی سائر الکلام کفضل اللّٰه علی سائر خلقه»؛ بحارالانوار، 92/19.

3 - اسراء / 9

4 - ر. مقاله: معرفت، محمدهادی؛ نظام‌نگ در قرآن، میراث جاویدان، سال اول، شماره اول، 1371، ش 4/.

- 5 - اعراف / 176
- 6 - محمود، مصطفی؛ القرآن محاولة لفهم عصری، چاپ ششم، دارالمعارف، قاهره، / 14 - 17.
- 7 - محمود، مصطفی؛ همان / 17-19
- 8 - ر.ک: فصلنامه بینات، ش 75-80 / 20_
- 9 - ر.ک: مندور، محمد؛ در نقد و ادب، ترجمه دکتر علی شریعتی، / 139-140
- 10 - محمود، مصطفی؛ همان، / 19-20.
- 11 - ر.ک: باطنی، محمد رضا؛ مسائل زبان شناسی نوین، / 51-59.
- 12 - (و ما أرسلناک الا کافه للناس بشیراً و نذیراً و لکن اکثر الناس لا یعلمون) (سبأ/ 28)
- 13 - کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، تحقیق استاد علی اکبر غفاری، 632 / 2.
- 14 - ر.ک: فصلنامه بینات، ش 65-69 / 33_
- 15 - این موارد بدون احتساب سوره حمد است.
- 16 - ر.ک: انیس، ابراهیم؛ الاصوات اللغویة، / 23-24
- 17 - همان / 50-51
- 18 - ر.ک: فصلنامه بینات، ش 88 / 20_
- 19 - همان، 88 - 89
- 20 - همان، / 89
- 21 - ر.ک: طالقانی، سید محمود؛ پرتوی از قرآن، ج 2 از جزء سی ام، / 254-255.
- 22 - ر.ک: سید قطب؛ فی ظلال القرآن، 699-700 / 8.
- 23 - ر.ک: فصلنامه بینات، ش 87-88 / 20_.
- 24 - مجلسی، محمد باقر؛ بحارالانوار، 89/207
- 25 - برخی مراد از «والعادیات» را شتران حجاج دانسته‌اند و دلایلی هم در این باره ذکر نموده‌اند، این تطبیق با آیه دوم این سوره مناسبت ندارد؛ پرتوی از قرآن، ج 1 از جزء سی ام، ذیل سوره والعیات
- 26 - از تناسبهای دیگر این سوره، تعبیری است که از مال به «خیر» شده است. قرآن کریم علاوه بر آن که در جاهای دیگر نیز از مال به خیر تعبیر فرموده (بقره/180) از اسب نیز همین تعبیر را کرده است: (ص/32).
- 27 - ر.ک: سید قطب؛ فی ظلال القرآن، / 642 - 643.
- 28 - ر.ک: فصلنامه بینات ش 38 - 39 / 25_.
- 29 - ر.ک: سید قطب؛ آفرینش هنری در قرآن، ترجمه محمد مهدی فولادوند، 102 - 103.

- 30 - برای مطالعه تفصیلی این موضوع رجوع کنید به:
- صبحی صالح؛ در اسات فی فقه اللغه، 141 - 168. ابراهیم انیس؛ آواشناسی زبان عربی، 96 - 97.
- اصمعی؛ المزهر فی علوم اللغه و انواعها، 50-51. شایان یاداست که وی مثالهای این باب را از کتاب خصایص ابن جنی آورده است. فصلنامه بینات، ش 42-50 / 25.
- 31 - ر.ک: سیوطی، جلال الدین عبدالرحمان؛ الاتقان، 17-18/2.
- 32 - آن دو بخش، آیات 44 و 91 سوره مائده و سوره انعام می‌باشند، به طوری که اگر ترتیب موجود در این دو آیه تغییر یابد، روانی کلام آسیب خواهد دید.
- 33 - ر.ک: فصلنامه بینات، ش 57 - 59 / 25.
- 34 - ص 29 /
- 35 - نساء / 82.
- 36 - ر.ک: فصلنامه بینات ، ش 53 - 55 / 33 .
- 37 - در قرآن کریم در مورد حفظ قرآن (به معنای از برکردن) تعبیر حفظ نیامده، بلکه تعبیر حفظ، در مورد مصونیت قرآن به کار رفته است: «أنا نحن نزلنا الذكر و أنا له لحافظون» (حجر/ آیه 9) در مورد حفظ و حافظه به طور کلی از واژه «ذکر» استفاده شده و ذکر نیز در ارتباط مستقیم با قلب دانسته شده است.
- 38 - ر.ک: حسن عرفان؛ پژوهشی در شیوه‌های اعجاز قرآن، 40 - 41.
- 39 - نهج البلاغه، خطبه ی اول.
- 40 - جهت مطالعه این خصائص و آثار در مورد قافیه در شعر؛ ر.ک: شفیعی کدکنی، محمد رضا؛ موسیقی شعر / 60 - 62.